

بحث سرچشمه های حکمت ایرانی در حکمة الاشراق همچنان باز است

رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: به هر حال پرونده بسیار مهم کشف سرچشمه های حکمت ایرانی در حکمة الاشراق همچنان باز است و امید است که با تلاش بیشتر در این زمینه صورت بگیرد.



رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: به هر حال پرونده بسیار مهم کشف سرچشمه های حکمت ایرانی در حکمة الاشراق همچنان باز است و امید است که با تلاش بیشتر در این زمینه صورت بگیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، حسن بلخاری قهی، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی عصر روز گذشته ۸ مردادماه در مراسم افتتاحیه همایش ملی «حکمت اشراقی در پرتو آراء و آثار شهاب الدین سهروردی» که به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همکاری کمیسیون ملی یونسکو و ایران و دانشگاه آزاد اسلامی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد با تشکر از همکاری دانشگاه آزاد اسلامی و کمیسیون ملی یونسکو و همکاران خود در برگزاری این همایش گفت: بحث مهم در حکمت اشراق، کشف سرچشمه های ایرانی حکمت اشراق است. اشارات صریح و پنهانی که سهروردی در آثار مختلف خود در این باره دارد. بخشی از این اندیشه از اندیشه های ایران باستان خصوصا دین زردشتی است. کلمه «بهمن» در این میان جایگاه مهمی دارد.

وی افزود: شهرستانی، صاحب الملل و النحل، اول نور قبل از نورالانوار را «بهمن» می نامد. در نزدیکی های فیدار، معبدی به نام «شیز» وجود داشته است که از آتشکده های مهم آتشکده آذرگشسب بوده که هر آتشکده ای در کشور باید روشن می شد آتش باید از آتشکده آذرگشسب به آنجا برده می شده است. آیا در معبد شیز، مغانی بودند و شیخ شهید ما با آنها تماس و ارتباط داشت و این آموزه ها را از آنجا آموخته است. به هر حال نیازمند تحقیق هست تا ریشه های ایرانی و مصری و هندی این آموزه در حکمت اشراق مشخص شود.

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه در حکمة الاشراق آنجا که بحث نور شروع می شود و از نورالانوار در واقع واجب الوجودی بالذات نورالانوار صحبت می کند، اظهار کرد: سهروردی براساس قاعده الواحد به این نتیجه می رسد که از نور اقرب یا نور عظیم که به قول زرتشتی ها بهمین نامیده می شود. سهروردی می نویسد: در پیشگاه من گرمی تر از بهمین نیست. او اولین کسی است که ابداع کرده اند و نمونه و کمال خود را در او افکندند و آنگاه به وسیله او عقل را در یک نظام استوار ابداع کردند، مخلوقها همگی عقل و نورند و نورها چند برابر شدند. با آنها مردمان را آفریدند، هر نوری به صورت مولای خود می نگریست و خود را تاریک می دید و با آنچه تاریک بود سایه ای آفریدند.

وی تصریح کرد: این سؤال مهمی است که آیا سهروردی می توانسته است از آیه نور، به بحث نور و حکمت اشراق برسد، قبل از شیخ اشراق، این سینا در یکی از رساله های خود از آیه نور برای بیان مراتب عقل استفاده کرده است. سبزواری و دیگران هم که در مورد تشکیک وجود به ایران باستان ارجاع می دهند دقیقا نمی گویند در کدامین متن از متون ایران باستان این مفهوم وجود دارد. آیا ممکن است سهروردی تشکیک وجود را نه از ایران باستان که از آیه نور و یا روایت «خلق الله الخلق فی ظلمة، ثم رش علیه من نوره» گرفته باشد. نمی دانیم!

بلخاری با بیان اینکه در دو ماه گذشته وقتم را به تحقیق در مورد معنای «بهمین» کردم و دوازده منبع اوستایی و پهلوی را دیدم، گفت: از بهمین به عنوان ایزد خرد صحبت شده است. در مقاله ای که در این باره تهیه کرده ام و برای فصلنامه تاریخ فلسفه بنیاد حکمت اسلامی صدرا فرستادم اینها را به طور دقیق نوشته ام. اگر شیخ اشراق می گوید اولین نور بعد از نورالانوار صادر واحد، بهمین است. دقیقا در ذهن خود «أول ما خلق الله العقل» را در نظر داشته است.

این محقق و نویسنده کشورمان بیان کرد: بدان که اول چیزی که حق سبحانه و تعالی بیافرید گوهری بود تابناک او را عقل نام کرد که اول ما خلق الله العقل و این گوهر را سه صفت بخشید؛ یکی شناخت حق و دیگری شناخت خود و آخری شناخت آنچه نبود. من حدس زدم بنا به تسلط سهروردی به قرآن متأثر از این روایت گردیده، گشته و کنکاش کرده و از میان ایزدان و ...، آن ایزدی را انتخاب کرده که بالاترین نسبت را با حضرت عقل دارد و آن بهمین است.

بلخاری تأکید کرد: بهمین علاوه بر این عقل و عین خرد است، جبرئیل بنشسته بر جان زرتشت و آنچه از اهورا برای زرتشت پیام می آورد همین بهمین است. آنکه رهنمای زرتشت در برزخ است همین بهمین است. دیالوگهای فوق العاده جذابی بین بهمین و زرتشت وجود دارد و بنا به نسبتی که بین این معنای بهمین با اول ما خلق الله العقل وجود دارد

نهایت نتیجه گرفته می شود که شیخ اشراق این نکات را یا از شهرستانی گرفته یا از مسعودی گرفته یا نتایج دریافتهای ذوقی خودش است. به هر حال پرونده بسیار مهم کشف سرچشمه های حکمت ایرانی در حکمة الاشراق همچنان باز است و امید است که با تلاش بیشتر در این زمینه صورت بگیرد.

وی سخنانش را با این بیت از حافظ به پایان برد: در خرابات مغان نور خدا می بینم/ این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم.